

شروط الصلاة

از دیدگاه اهل سنت
(فقه حنفی)

تألیف

عبدالمجید بن محرم بن محمد بن عارف مجدالدین

سیواسی حنفی





این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

آدرس ایمیل: book@aqeedeh.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شُرُوطُ الصَّلَاةِ

در فقه حنفی

تألیف

عبد المجید بن محرم بن محمد بن عارف مجد الدین

سیواسی حنفی

سنوی ۱۰۴۹ھ

سر شناسه
عنوان و پدید آورنده

مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
یادداشت
موضوع
شناسه افزوده
رده‌بندی کنگره
رده‌بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

سیواسی، عبدالمجید بن محرم، ۹۷۱ - ۱۰۴۹ ه.ق.
شروط الصلاة در فقه حنفی. / عبد المجید بن محرم
بن محمد
مشهد: حافظ ابرو، ۱۳۸۸.
: ۳۲۰ ص.
: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۳۷-۱۰۸
فیبا
: عربی - فارسی
نماز - راهنمای آموزش فقه حنفی
: ساعدی، محمد ابراهیم، ۱۳۴۹ - مترجم
: ۱۳۸۸ ش ۶/س ۱۴۷/۷ BP
: ۲۹۷ / ۳۵۳۰۷
: ۱۹۸۱۹۴۸

انتشارات حافظ ابرو

شروط الصلاة

اثر: عبد المجید بن محرم بن محمد بن عارف مجدالدین سیواسی حنفی

ترجمه: دکتر محمد ابراهیم ساعدی رودی

ناشر: حافظ ابرو

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۹

شمارگان: ۳۰۰۰

چاپ: دقت

قطع وزیری

قیمت: ۷۰۰

تعداد صفحه: ۳۲

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۳۷-۱۰۸
ISBN 978 - 600-5837-10-8

حق چاپ محفوظ است

مرکز پخش: تایباد - خیابان رجائی - کتابفروشی سنت

تلفن: ۴۲۲۲۱۳۴ - ۰۵۲۹

همراه: ۰۹۱۵۱۲۶۱۳۹۹

تقریظ مولانا حبیب الرحمن مطهری - حفظه الله -
مدیر حوزه علمیہی احناف خواف

باسمہ تعالیٰ

حوزه علمیہ احناف خواف
خراسان



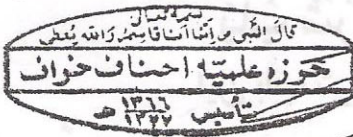
شماره: ۲۲۱

تاریخ: ۱۳۸۸/۹/۲۷

پیوست:

در مورخه ۸۸/۶/۲۷ در ملاقاتی که آقای دکتر ابراهیم ساعدی با اینجانب داشتند؛ کتاب شروط الصلوٰۃ را که به شیوه جدید و ترجمه سلیم در آورده بودند به اینجانب ارائه کردند، لذا بعد از رویت کتاب مذکور لازم دانستم از سعی و تلاش ایشان تقدیر و تشکر کنم و برای توفیق بیشتر برایشان از خدای متعال آرزوی توفیق می کنم.

حبیب الرحمن مطهری
مدیر حوزه علمیہ احناف خواف



مطهر

مختصری درباره‌ی مؤلف و کتاب

نویسنده عبدالمجید بن محرم بن ابوالبرکات محمد بن عارف مجدالدین ابوالخیر سیواسی حنفی صوفی در سال ۹۷۱ هـ.ق. مطابق با ۱۵۶۴ م در شهرک «زیله» متولد شد و دوران کودکی و نوجوانی را در همان جا گذراند. بعد از عمویش شمس‌الدین مسئولیت زاویه‌ی شهر «سیواس» (واقع در ترکیه‌ی امروزی) را به عهده گرفت، سپس به پایتخت «قسطنطنیه» (استانبول امروزی) منتقل شد. از نوشته‌هایش کتاب‌های زیر را می‌توان نام برد: ۱- أربعون فی الحدیث. ۲- أزهار المثوی وأنوار المعنوی فی شرح المثوی لجلال الدین الرومی. ۳- تلخیص خصائص النبی. ۴- درر العقائد و غرر کل سائق و قاند (به زبان ترکی). ۵- رسالة الإسلام والإیمان. ۶- رسالة الکبائر وشرحها. ۷- شرح جزيرة المثوی. ۸- شرح قصیده المیمية لجلال الدین الرومی. ۹- شروط الصلاة (کتاب حاضر). ۱۰- عدة المستعین فی التصریف. ۱۱- قمر السوس فی الجسام النفوس. ۱۲- کفارات الخمس. ۱۳- لذائد الأثمار فی فضل الصلاة علی النبی المختار. ۱۴- لطائف الأزهار فی الصلاة علی النبی المختار. ۱۵- مصقل القلوب. ۱۶- دیوان الإقیات. ۱۷- تفسیر الفاتحة. ۱۸- میادین الفرسان و...

در سال ۱۰۴۹ هـ.ق. مطابق با ۱۶۳۹ م در قسطنطنیه دار فانی را وداع گفت.

شایان ذکر است که مصطفی بن حمزه بن ابراهیم بن ولی الدین بن مصلح الدین رومی حنفی معروف به اطهوی شاگرد نوح افندی قونوی که در سال ۱۰۸۵ هـ.ق. می‌زیسته است شرحی به نام «الحیة فی شرح شروط الصلاة» بر این کتاب نگاشته است. (ر. ک: هدیة العارفین: ۱ / ۳۲۸ و ۱۷۶/۲، ایضاح المکتون: ۲ / ۴۰۳، کشف الظنون: ۲ / ۱۳۴۷ و معجم المؤلفین: ۶ / ۱۷۰).



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشایشگر مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ

حمد و سپاس برای خدا که پروردگار عالمیان است، و درود و سلام بر

رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ.

پیامبر او محمد و بر همه‌ی خاندان و یاران او.

* * *

بَابُ شُرُوطِ الصَّلَاةِ

این باب شرط‌های نماز است

وَهِيَ ثَمَانِيَةٌ:

آن‌ها (شروط نماز) هشت تا است:

الأوَّلُ: الوُضُوءُ بِالمَاءِ المَطْلُوقِ أَوْ التَّيْمُمِ بِالتُّرَابِ عِنْدَ عَدَمِ المَاءِ

اوّل: وضو گرفتن با آب خالص است یا تیمم زدن با خاک است وقتی این آبی

المَذْكُورِ.

که ذکرش رفت وجود نداشته باشد.

وَالثَّانِي: طَهَارَةُ الثَّوْبِ عَنِ النَّجَاسَةِ العَلِيظَةِ وَالحَفِيْفَةِ.

دوم: پاک بودن لباس از نجاست سنگین و سبک.

وَالثَّالِثُ:

طَهَارَةُ المَكَانِ الَّذِي يُصَلِّي فِيهِ.

سوم: پاک بودن جایی که در آن نماز می‌خواند.



وَالرَّابِعُ: طَهَارَةُ الْبَدَنِ مِنَ الْبَوْلِ وَالْغَائِطِ وَمَا أَشْبَهَهُمَا.

چهارم: پاک بودن بدن از ادرار و مدفوع و آنچه مشابه آن دو.

وَالْخَامِسُ: سِتْرُ الْعَوْرَةِ، وَعَوْرَةُ الرَّجُلِ مِنْ تَحْتِ السَّرَّةِ إِلَى

پنجم: پوشاندن عورت است. عورت مرد از زیر ناف تا

رُكْبَتَيْهِ وَالْمَرْأَةُ كُلُّهَا عَوْرَةٌ إِلَّا وَجْهَهَا وَكَفَّيْهَا وَقَدَمَيْهَا، وَالْأَمَةُ

زانونها است و زن تمام بدنش عورت است مگر صورتش، دو دستش و دو پایش و کتیزک

مِثْلُ الرَّجُلِ إِلَّا ظَهْرُهَا وَبَطْنَهُ.

مثل مرد است، مگر پشتش و شکمش.

وَالسَّادِسُ: اسْتِقبالُ الْقِبْلَةِ.

ششم: رو آوردن به قبله.

وَالسَّابِعُ: النِّيَّةُ.

هفتم: نیت کردن.

وَالثَّامِنُ: مَعْرِفَةُ أَوْقَاتِ الصَّلَاةِ.

هشتم: دانستن اوقات نماز.

وَمَنْ تَرَكَ شَيْئًا مِنْ هَذِهِ الشَّرُوطِ الثَّمَانِيَةِ لَأَيِّصِحُّ صَلَاتُهُ سِوَاءَ

کسی که چیزی از این شروط را ترک کند نمازش درست نیست، برابر است

كَانَ عَامِدًا أَوْ نَاسِيًا.

که به عمد باشد یا از روی فراموشی.

*

*

*



بَابُ أَرْكَانِ الصَّلَاةِ

این باب ارکان نماز است

وَهِيَ سِتَّةٌ:

آن‌ها (ارکان نماز) شش تا است.

الأوَّلُ: تَكْبِيرُ الْإِفْتِيحِ.

اوّل: تکبیر شروع (تحریمه).

وَالثَّانِي: الْقِيَامُ.

دوم: ایستادن.

وَالثَّلَاثُ: الْقِرَاءَةُ.

سوم: خواندن.

وَالرَّابِعُ: الرُّكُوعُ.

چهارم: رکوع.

وَالخَامِسُ: السُّجُودُ.

پنجم: سجده.

وَالسَّادِسُ: الْقَعْدَةُ الْآخِرَةُ.

ششم: نشستن آخر (قعدہی آخر).

وَمَنْ تَرَكَ شَيْئًا مِّنْ هَذِهِ الْأَرْكَانِ السِّتَّةِ فَسَدَتْ صَلَاتُهُ

کسی که چیزی از این ارکان را ترک کند نمازش فاسد می‌شود

وَيَسْتَأْنِفُ الصَّلَاةَ مَرَّةً أُخْرَى.

و از سر بخواند نماز را یک بار دیگر.

*

*

*



بَابُ مَا وَجِبَ فِي الصَّلَاةِ

این باب آن چیزهایی است که در نماز واجب است

وَهِيَ سَبْعَةٌ:

آن‌ها (چیزهایی که در نماز واجب است) هفت تا است.

الأوَّلُ: قِرَاءَةُ الْفَاتِحَةِ.

اول: خواندن فاتحه.

وَالثَّانِي: الْقَعْدَةُ الْأُولَى.

دوم: نشستن اول (قعه‌ی اول).

وَالثَّلَاثُ: قِرَاءَةُ الشَّهَادَةِ فِي الْقَعْدَةِ الْأَخِيرَةِ.

سوم: خواندن تشهد در نشستن آخر.

وَالرَّابِعُ: جَهْرُ الْإِمَامِ بِالْقِرَاءَةِ فِيمَا يُجْهَرُ بِهِ.

چهارم: بلند خواندن قرائت توسط امام در نمازهایی که بلند خوانده می‌شود.

وَالْخَامِسُ: مَخَافَةُ الْقِرَاءَةِ فِي مَوْضِعِ السَّرِّ.

پنجم: آهسته خواندن قرائت در جای آهسته خواندن.

وَالسَّادِسُ: قِرَاءَةُ الْقُنُوتِ فِي الْوَتْرِ.

ششم: خواندن قنوت در نماز وتر.

وَالسَّابِعُ: تَعْدِيلُ الْأَرْكَانِ.

هفتم: برابر کردن ارکان نماز.

وَمَنْ تَرَكَ شَيْئًا مِّنْ هَذِهِ السَّبْعَةِ الْمَذْكُورَةِ إِنْ كَانَ سَاهِيًا يَلْزَمُ سَجْدَةً

کسی که چیزی را از این هفت تا که ذکر گردید ترک کند، اگر فراموش کرد سجده‌ی

السَّهْوِ وَمَنْ تَرَكَ عَامِدًا لِّيَجِبُ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَلَكِنْ صَلَّوْهُ مَعَ النُّقْصَانِ.

سهو لازم است و کسی که به عمد ترک کند، چیزی بر او واجب نمی‌شود، ولی نمازش ناقص است.

*

*

*



بَابُ سُنَنِ الصَّلَاةِ

این باب سنت‌های نماز است

وَهِيَ أَرْبَعٌ عَشْرَةٌ:

آن‌ها (سنت‌های نماز) ده تا است:

الأوَّلُ: رَفْعُ اليَدَيْنِ مَعَ تَكْبِيرِ الْاِفْتِاحِ حَتَّى يُحَاذِيَ إِهْمَامِيهَ

اول: بالا بردن دست‌ها با تکبیر شروع تا برابر کند دو انگشت ابهامش را

بِشَحْمَتِي أُذْيِهِ.

با دو نرمی گوشش.

وَالثَّانِي: وَضْعُ يَدِهِ الْيُمْنِي عَلَى الْيُسْرَى تَحْتَ السَّرَّةِ.

دوم: نهادن دست راست بر روی دست چپ در زیر ناف.

وَالثَّلَاثُ: ثَنَاءُ اللَّهِ تَعَالَى.

سوم: به جا آوردن ثنا و ستایش خدا.

وَالرَّابِعُ: التَّعَوُّذُ بِاللَّهِ تَعَالَى.

چهارم: اعوذ بالله گفتن.

وَالخَامِسُ: التَّسْمِيَةُ.

پنجم: بسم الله گفتن.

وَالسَّادِسُ: التَّأْمِينُ.

ششم: آمین گفتن.



وَالسَّابِعُ: التَّسْمِيعُ.

هفتم: سمع الله گفتن.

وَالتَّاسِعُ: تَسْبِيحَاتُ الرُّكُوعِ.

نهم: تسیحات رکوع.

وَالعَاشِرُ: تَسْبِيحَاتُ السُّجُودِ.

دهم: تسیحات سجده.

وَالحَادِي عَشَرَ: قِرَاءَةُ التَّشْهُدِ فِي القَعْدَةِ الأُولَى.

یازدهم: خواندن التّحیات در نشستن اول.

وَالثَّانِي عَشَرَ: قِرَاءَةُ الفَاتِحَةِ فِي الرُّكْعَتَيْنِ الأَخْرَيْنِ.

دوازدهم: خواندن سوره‌ی فاتحه در دو رکعت آخر.

وَالثَّلَاثُ عَشَرَ: التَّكْبِيرَاتُ اللَّتِي غَيْرُ الإِفْتِاحِ.

سیزدهم: تکبیرات دیگر به غیر از تکبیر شروع.

وَالرَّابِعُ عَشَرَ: التَّسْلِيمُ.

چهاردهم: سلام گفتن.

وَمَنْ تَرَكَ شَيْئًا مِّنْ هَذِهِ الأَشْيَاءِ المَذْكُورَةِ لَمْ يَلْزَمْ عَلَيْهِ شَيْءٌ^{١٨}

کسی که چیزی از این چیزها که ذکر شد ترک کرد چیزی بر او نیست

سِوَاءَ تَرَكَ عَامِدًا أَوْ سَاهِيًا.

برابر است که به عمد این کار را کرده باشد یا از روی فراموشی.

*

*

*



بَابُ مَا يُسْتَحَبُّ فِي الصَّلَاةِ

این باب چیزهایی است که در نماز مستحب است

وَهِيَ خَمْسَةٌ وَعِشْرُونَ:

آن‌ها (چیزهایی که در نماز مستحب است) بیست و پنج تا است:

الأوَّلُ: نَظْرُ الْمُصَلِّي فِي الْقِيَامِ إِلَى مَوْضِعِ السُّجُودِ.

اول: نگاه کردن نمازگذار در نماز به جای سجده.

وَالثَّانِي: نَظْرُ الْمُصَلِّي فِي الرُّكُوعِ إِلَى قَدَمَيْهِ.

دوم: نگاه کردن نمازگذار در رکوع به پاهای خود.

وَالثَّلَاثُ: نَظْرُ الْمُصَلِّي فِي السُّجُودِ إِلَى أَرْتَبَةِ الْأَنْفِ.

سوم: نگاه کردن نمازگذار در سجده به نرمی بینی.

وَالرَّابِعُ: نَظْرُ الْمُصَلِّي فِي الْقَعْدَةِ إِلَى حُجْرِهِ.

چهارم: نگاه کردن نمازگذار در نشستن آخر به دامنش.

وَالخَامِسُ: قِرَاءَةُ سُورَةٍ تَامَّةٍ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ سِوَى الْفَاتِحَةِ.

خواندن یک سوره‌ی کامل در هر رکعت به غیر از فاتحه.

وَالسَّادِسُ: تَكْبِيرُ الْمُؤْمِنِ سِرًّا بِلَا مَدِّ.

ششم: آهسته تکبیر گفتن مقتدی بدون کشیدن همزه.

وَالسَّابِعُ: وَضْعُ الْيَدَيْنِ عَلَى الرُّكْبَتَيْنِ مَعَ تَفْرِيجِ الْأَصَابِعِ.

هفتم: نهادن دست‌ها بر دو زانو با گشودن انگشتان.

وَالثَّمَانُ: بَسْطُ الظَّهْرِ فِي الرُّكُوعِ.

هشتم: برابر کردن پشت در رکوع.



وَالتَّاسِعُ: تَسْوِيَةُ الرَّأْسِ مَعَ الكَتِفِ.

نهم: برابر کردن سر با شانه‌ها.

وَالعَاشِرُ: رَفْعُ الرَّأْسِ بِالتَّسْمِيعِ.

دهم: بلند کردن سر همزمان با سمع الله گفتن.

وَالْحَادِي عَشَرَ: إِذَا أَرَادَ السُّجُودَ أَنْ يَضَعَ أَوَّلًا رُكْبَتَيْهِ عَلَى الأَرْضِ.

یازدهم: وقتی می‌خواهد سجده کند این که اول زانوهایش را بر زمین بگذارد.

وَالثَّانِي عَشَرَ: أَنْ يَضَعَ يَدَيْهِ ثَانِيًا عَلَى الأَرْضِ.

دوازدهم: این که دوم دست‌هایش را بر زمین بگذارد.

وَالثَّلَاثُ عَشَرَ: أَنْ يَضَعَ أَنْفَهُ بَعْدَ اليَدَيْنِ.

سیزدهم: این که بینی‌اش را بعد از دست‌ها (به زمین) بگذارد.

وَالرَّابِعُ عَشَرَ: أَنْ يَضَعَ جِهَتَهُ فِي السُّجُودِ بَعْدَ أَنْفِهِ.

چهاردهم: این که پیشانی‌اش را بعد از بینی‌اش به سجده بگذارد.

وَالخَامِسُ عَشَرَ: أَنْ يُبْعِدَ ضَبْعَيْهِ عَنِ إِبْطَيْهِ.

پانزدهم: این که بازوهایش را از بغل‌هایش دور کند.

وَالسَّادِسُ عَشَرَ: أَنْ يُجَافِيَ بَطْنَهُ عَنِ فَخْذَيْهِ — وَالمَرَأَةُ تَلْزِقُ

شانزدهم: این که شکمش را از ران‌های خود گشوده دارد - زن باید

بَطْنَهَا بِفَخْذَيْهَا فِي سُجُودِهَا —

شکمش را به ران‌هایش در سجده‌اش بچسباند -

وَالسَّابِعُ عَشَرَ: أَنْ يُوجِّهَ أَصَابِعَ رِجْلَيْهِ إِلَى القِبْلَةِ.

هفدهم: انگشتان پاهایش را به سوی قبله نماید.



وَالثَّامِنَ عَشَرَ: أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ بِالتَّكْبِيرِ.

هجدهم: سرش را با گفتن تکبیر بلند نماید.

وَالتَّاسِعَ عَشَرَ: أَنْ يُسَبِّحَ فِي السُّجُودِ ثَلَاثًا، أَوْ خَمْسًا، أَوْ سَبْعًا.

نوزدهم: این که در سجده سه بار، یا پنج بار، یا هفت بار تسبیح (سبحان ربی الاعلی) بگوید.

وَالعِشْرُونَ: أَنْ يَرْفَعَ يَدَيْهِ بَعْدَ رَفْعِ رَأْسِهِ.

بیستم: این که بلند کند سرش را بعد از بلند کردن سرش.

وَالْحَادِي وَالعِشْرُونَ: أَنْ يَرْفَعَ رُكْبَتَيْهِ بَعْدَ رَفْعِ يَدَيْهِ.

بیست و یکم: این که زانوهایش را بلند کند بعد از بلند کردن دستانش.

وَالثَّانِي وَالعِشْرُونَ: إِذَا رَفَعَ مِنَ السَّجْدَةِ الثَّانِيَةَ لِلرُّكْعَةِ الثَّانِيَةِ

بیست و دوم: وقتی از سجده‌ی دوم رکعت دوم بلند می‌شود

إِفْتَرَشَ رِجْلَهُ الْيُسْرَى وَجَلَسَ عَلَيْهَا.

پای چپش را پهن کند و روی آن بنشیند.

وَالثَّلَاثُ وَالعِشْرُونَ: أَنْ يَنْصَبَ رِجْلَهُ الْيُمْنَى وَيُوجِّهَ رُءُوسُ

بیست و سوم: پای راستش را نصب کند و سر انگشتانش را

الأصَابِعِ نَحْوَ الْقِبْلَةِ.

به طرف قبله نماید.

وَالرَّابِعُ وَالعِشْرُونَ: أَنْ يَضَعَ يَدَيْهِ عَلَى فَخْذَيْهِ مَبْسُوطَةً

بیست و چهارم: دستانش را روی زانوهایش بگذارد در حالی که انگشتانش

الأصَابِعِ وَيَتَشَهَّدُ بِقَلْبِهِ وَلِسَانِهِ.

از هم باز است و با دل و زبانش تشهد (التحیات) بخواند.

وَالْخَامِسُ وَالْعِشْرُونَ: إِذَا فَرَغَ مِنَ التَّشَهُّدِ يُصَلِّي عَلَى

بیست و پنجم: وقتی از تشهد (التحیات) فارغ شد بر رسول الله ﷺ درود بفرستد

النَّبِيِّ ﷺ ثُمَّ يُسَلِّمُ عَلَى مَنْ فِي يَمِينِهِ مِنَ الرِّجَالِ وَالْحَفْظَةَ ثُمَّ

سپس بر کسانی که در سمت راستش هستند از قبیل مردان و فرشتگان نگهبان سلام بدهد، سپس

يُسَلِّمُ عَلَى يَسَارِهِ مِثْلَ ذَلِكَ، وَمَا سِوَى ذَلِكَ آدَابٌ وَثَوَابٌ

همان گونه بر سمت چپش سلام دهد. چیزهای دیگر غیر از اینها آداب و ثواب است

وَهُوَ مَسْحُ الْيَدَيْنِ عَلَى وَجْهِهِ بَعْدَ السَّلَامِ، وَالْأَدْعِيَةُ الْمَأْثُورَةُ

و آن کشیدن دو دست بر صورتش بعد از سلام، دعا‌های مأثور

وَالصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَقِرَاءَةُ آيَةِ الْكُرْسِيِّ وَقِرَاءَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ

و درود فرستادن بر رسول الله ﷺ، خواندن آیت الکرسی و خواندن سبحان الله

ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ مَرَّةً وَكَذَا الْحَمْدُ لِلَّهِ وَكَذَا اللَّهُ أَكْبَرُ وَإِنْ تَرَكَ

سی و سه بار و هم چنین الحمد لله و هم چنین الله اکبر و اگر

شَيْئًا مِنَ الْمُسْتَحَبَّاتِ وَالْآدَابِ لَا يَلْزِمُ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَلَا يَكُونُ تَارِكُهَا

چیزی از مستحبات و آداب را ترک کرد چیزی بر او لازم نیست و ترک کننده‌ی آن

مُسِيئًا وَلَكِنَّ بَاتِيانَهَا تَعْظِيمًا لِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى فَلَهُ أَجْرُهَا وَثَوَابُهَا

گناه کار نیست، ولی با انجام آن به خاطر بزرگ داشتن امر خدا، اجر و ثوابش به او می‌رسد

وَمُرَاعَاتُهَا أَفْضَلُ وَأَحْسَنُ.

و رعایت آن بهتر و خوب‌تر.

* * *
 * * *
 * * *

مستحبات و آداب را ترک کردن گناه کار نیست، ولی با انجام آن به خاطر بزرگ داشتن امر خدا، اجر و ثوابش به او می‌رسد

بَاب مَا يُكْرَهُ فِي الصَّلَاةِ

باب چیزهایی که مکروه است در نماز

وَهِيَ عَشْرَةٌ:

آن‌ها (چیزهایی که در نماز مکروه است) ده تا است:

الْأَوَّلُ: التَّرْبُوعُ بِلَا عُدْرٍ.

اول: چهار زانو نشستن بدون عذر.

وَالثَّانِي: عَدُّ الْآيَاتِ بِالْيَدِ.

دوم: شمردن آیات با دست.

وَالثَّلَاثُ: افْتِرَاشُ ذِرَاعَيْهِ فِي السُّجُودِ كَافْتِرَاشِ الثَّلَبِ.

سوم: پهن کردن بازوهایش در سجده مانند پهن کردن روباه.

وَالرَّابِعُ: الإِلْتِفَاتُ بِعَيْنَيْهِ يُمْنَةً وَيُسْرَةً.

چهارم: نگاه کردن با چشمانش به چپ و راست.

وَالخَامِسُ: تَغْمِيزُ عَيْنَيْهِ بِلَا عُدْرٍ، لِأَنَّهُ تَشْبَهُ بِالْيَهُودِ.

پنجم: بستن چشمانش بدون عذر، چون این کار همانندی با یهود.

وَالسَّادِسُ: تَقَلُّبُ الحِصْيِ مِنْ مَوْضِعِ السُّجُودِ بِلَا احْتِيَاجٍ.

ششم: برگرداندن سنگ‌ریزه‌ها از جای سجده بدون عذر.

وَالسَّابِعُ: أَنْ يَتَمَطَّى فِي الصَّلَاةِ.

هفتم: این که در نماز (از کاهلی) خود را بکشد.

وَالثَّامِنُ: التَّائِبُ، فَيَنْبَغِي أَنْ يَضُمَّ فَمَهُ، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَيَضَعْ

هشتم: خمیازه کشیدن، پس مناسب است که دهانش را ببندد، اگر نتوانست

يَدَهُ الْيُمْنِي أَوْ كُمَّهُ عَلَى فَمِهِ.

دست راستش یا آستینش را بر دهان خود بگذارد.

وَالتَّاسِعُ: أَنْ يَلْعَبَ بِثَوْبِهِ أَوْ بِيَدِهِ أَوْ بِلِسَانِهِ أَوْ يُلْفَ الثَّوْبَ.

نهم: این که با لباسش، یا دستش و یا زبانش بازی کند و یا لباسش را بپیچاند.

وَالْعَاشِرُ: أَنْ يَقُومَ وَحَدَهُ خَلْفَ الصَّفِّ إِنْ كَانَ فِي الصَّفِّ فُرْجَةً،

دهم: این که به تنهایی پشت بایستد، اگر در صف جای خالی بود.

فَكُلُّهَا مَكْرُوهَةٌ فِي الصَّلَاةِ يَنْبَغِي لِلْمُصَلِّي أَنْ يَجْتَنِبَ

همه‌ی این‌ها در نماز مکروه است و شایسته است برای نماز گزار که از این‌ها پرهیز کند

عَنْهَا حَتَّى لَا يَكُونَ مَكْرُوهَةً فِي الصَّلَاةِ.

تا مکروهی در نماز نباشد.

* * *



بَابُ مَا يُفْسِدُ الصَّلَاةَ

باب چیزهایی که نماز را فاسد می کند

وَهِيَ أَرْبَعَةٌ عَشْرَ:

آن‌ها (چیزهایی که نماز را فاسد می کند) چهارده تا است:

الأوَّلُ: التَّحْنُحُ بِدَا عُدْرٍ.

اول: تازه کردن گلو بدون عذر.

وَالثَّانِي: أَنْ يَقُولَ لِلْعَاطِسِ يَرْحَمُكَ اللَّهُ.

دوم: این که برای عطسه زنده بگوید: یرحمک الله.

وَالثَّالِثُ: أَنْ يَفْتَحَ عَلَى غَيْرِ إِمَامِهِ.

سوم: این که برای غیر از امام خودش فتحه (اشتباه گرفتن) بدهد.

وَالرَّابِعُ: كَلِمَةٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِنْ أَرَادَ بِهِ الْجَوَابَ، وَإِنْ أَرَادَ بِهِ

چهارم: اگر کلمه‌ی لا اله الا الله را در جواب بگوید و اگر منظورش از آن

الإِعْلَامَ لَا تُفْسِدُ صَلَاتَهُ.

خبردار کردن بود نمازش فاسد نمی شود.

وَالخَامِسُ: انْكِشَافُ الْعَوْرَةِ.

پنجم: برهنه شدن عورت.

وَالسَّادِسُ: ارْتِفَاعُ الْبُكَاءِ مِنْ وَجَعٍ أَوْ مُصِيبَةٍ وَإِنْ كَانَ بُكَاءُهُ

ششم: بلند شدن صدای گریه بر اثر یک درد یا یک مصیبت است و اگر گریه‌اش

مِنْ ذِكْرِ الْجَنَّةِ أَوْ النَّارِ لَمْ يُفْسِدِ.

به خاطر یادآوری بهشت یا آتش باشد نماز را فاسد نمی کند.



وَالسَّابِعُ: رَدُّ السَّلَامِ بِيَدِهِ أَوْ بِلِسَانِهِ.

هفتم: جواب دادن سلام با دست یا زبان.

وَالثَّامِنُ: ذِكْرُ الْفَائِتَةِ وَلَمْ يَسْقُطِ التَّرْتِيبُ.

هشتم: به یاد آوردن نماز فوتی است در حالی که ترتیبش از او ساقط نشده باشد.

وَالتَّاسِعُ: الْعَمَلُ الْكَثِيرُ سَوَاءً كَانَ بِالْيَدِ أَوْ غَيْرِهِ.

نهم: کار بسیار است، برابر است که با دست باشد یا با چیزی دیگر.

وَالْعَاشِرُ: التَّكَلُّمُ عَامِداً أَوْ سَاهِياً.

دهم: سخن گفتن از روی عمد یا فراموشی.

وَالْحَادِي عَشَرَ: الْأَكْلُ وَالشُّرْبُ.

یازدهم: خوردن و نوشیدن.

وَالثَّانِي عَشَرَ: أَنْ يَقُولَ آهَ أَوْه.

دوازدهم: این که بگوید: آه، آوه.

وَالثَّلَاثَ عَشَرَ: الْقَهْقَهَةُ وَالضَّحْكُ.

سیزدهم: قهقهه و خنده.

وَالرَّابِعُ عَشَرَ: الْإِغْمَاءُ.

چهاردهم: بیهوشی.

وَهَذِهِ كُلُّهَا تُفْسِدُ الصَّلَاةَ سَوَاءً كَانَ عَامِداً أَوْ سَاهِياً وَيَجِبُ عَلَيْهِ الْإِعَادَةُ.

همه‌ی این‌ها نماز را فاسد می‌کند، برابر است به عمد باشد یا فراموشی و اعاده بر او واجب.



بَابُ فَرَائِضِ الْوُضُوءِ

این باب فرائض وضو است

وَهِيَ أَرْبَعَةٌ:

آن‌ها (فرائض وضو) چهار تا است:

الْأَوَّلُ: غَسْلُ الْوَجْهِ وَهُوَ مِنْ قِصَاصِ الشَّعْرِ إِلَى أَسْفَلِ الذَّقَنِ

اول: شستن صورت و آن از مکان روییدن مو است تا پایین زنخدان

وَالْأُذُنَيْنِ.

و دو گوش.

وَالثَّانِي: غَسْلُ الْيَدَيْنِ مَعَ الْمِرْفَقَيْنِ.

دوم: شستن دو دست با آرنج‌ها.

وَالثَّلَاثُ: مَسْحُ رُبْعِ الرَّأْسِ.

سوم: مسح یک چهارم سر.

وَالرَّابِعُ: غَسْلُ الرَّجْلَيْنِ مَعَ الْكَعْبَيْنِ.

چهارم: شستن دو پا با دو قوزک.

فَإِنْ تَرَكَ وَاحِدًا أَوْ جُزْءًا مِّنْ هَذِهِ الْأَرْبَعَةِ الْمَذْكُورَةِ لَمْ يَجُزْ

اگر یکی یا بخشی از این چهار عضو ذکر شده را ترک کرد نمازش جایز نیست

صَلَوْتُهُ فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ.

و بر اوست که اعاده کند.

*

*

*



بَابُ سُنَنِ الْوُضُوءِ

این باب سنت‌های وضو است

وَهِيَ عَشْرٌ:

آن‌ها (سنت‌های وضو) ده تا است:

الْأَوَّلُ: تَسْمِيَةُ اللَّهِ تَعَالَى فِي ابْتِدَاءِ الْوُضُوءِ.

اول: نام بردن الله در ابتدای وضو.

وَالثَّانِي: غَسْلُ الْيَدَيْنِ ثَلَاثًا قَبْلَ إِدْخَالِهِمَا الْإِنَاءَ.

دوم: شستن دست‌ها سه بار قبل از این که آن‌ها را وارد ظرف کند.

وَالثَّلَاثُ: السَّوَاكُ.

سوم: مسواک زدن.

وَالرَّابِعُ: الْمَضْمَضَةُ.

چهارم: شستن دهان.

وَالْخَامِسُ: الْإِسْتِنْشَاقُ.

پنجم: شستن بینی.

وَالسَّادِسُ: مَسْحُ الْأُذُنَيْنِ بِمَاءِ الرَّاسِ.

ششم: مسح گوش‌ها با آب سر.

وَالسَّابِعُ: تَخْلِيلُ اللَّحْيَةِ بِالْأَصَابِعِ إِنْ كَانَتْ كَثِيفَةً وَأَمَّا إِنْ

هفتم: خلال کردن ریش با انگشتان اگر پر پشت بود، اما اگر

كَانَتْ خَفِيفَةً فَيَفْرَضُ إِصْصَالُ الْمَاءِ إِلَى مَا تَحْتَهَا، وَكَذَا يَسَنُّ

کم پشت بود، پس فرض است رسانیدن آب به زیر ریش. و هم چنین سنت است



تَخْلِيلُ أَصَابِعِ الرَّجْلَيْنِ إِنْ لَمْ تَكُنْ مَضْمُومَةً وَأَمَّا إِنْ كَانَتْ

خلال کردن انگشتان پاها اگر انگشتان به هم چسپیده نبود، ولی اگر انگشتان

مَضْمُومَةً فَيَفْرِضُ إِصْصَالُ الْمَاءِ إِلَى مَا بَيْنَهَا.

به هم چسپیده بود پس فرض است رسانیدن آب به میان آنها.

وَالثَّامِنُ: تَكَرَّرُ الْغَسْلِ ثَلَاثًا.

هشتم: تکرار شستن سه بار.

وَالتَّاسِعُ: الْإِسْتِنْجَاءُ بِالْحَجَرِ أَوْ بِالْمَدْرِ أَوْ بِمَا يَقُومُ مَقَامَهُمَا.

نهم: استنجا با سنگ یا کلوخ و یا آنچه جای گزین آنها می شود.

وَالْعَاشِرُ: الْإِسْتِنْجَاءُ بِالْمَاءِ عِنْدَ وُجُودِ الْمَاءِ.

دهم: استنجا با آب در وقت موجود بودن آب.

*

*

*



بَابُ مَا يُسْتَحَبُّ فِي الْوُضُوءِ

باب چیزهایی که مستحب است در وضو

وَهِيَ سِتَّةٌ:

آن‌ها (چیزهایی که مستحب است در وضو) شش تا است:

الْأَوَّلُ: النِّيَّةُ.

اول: نیت کردن.

وَالثَّانِي: الْمَوَالَاةُ.

دوم: پی‌درپی شستن.

وَالثَّلَاثُ: الْبِدَايَةُ بِمِيَامِنِهِ.

سوم: شروع کردن به اندام‌های راست.

وَالرَّابِعُ: مُرَاعَاةُ التَّرْتِيبِ بِالْبِدَايَةِ بِمَا بَدَأَ اللهُ تَعَالَى بِهِ.

چهارم: رعایت ترتیب در شروع کردن است به آنچه که خدا شروع کرده.

وَالخَامِسُ: اسْتِيعَابُ جَمِيعِ الرَّأْسِ بِالمَسْحِ.

پنجم: دربر گرفتن تمام سر به مسح کردن.

وَالسَّادِسُ: مَسْحُ الرِّقْبَةِ بِمَاءٍ جَدِيدٍ.

ششم: مسح کردن گردن با آب تازه.

* * *



بَابُ آدَابِ الْوُضُوءِ

این باب آداب وضو است

وَهِيَ سِتَّةٌ:

آن‌ها (آداب وضو) شش تا است:

الْأَوَّلُ: تَرَكَ الْكَلَامَ سِوَى الْأَدْعِيَةِ الَّتِي يُدْعَى بِهَا عِنْدَ غَسْلِ كُلِّ عَضْوٍ.

اول: ترك سخن گفتن به جز دعاهایی که در وقت شستن هر عضو خوانده می‌شود.

وَالثَّانِي: الْمَضْمَضَةُ وَالِاسْتِنْشَاقُ بِيَدِهِ الْيُمْنَى.

دوم: شستن دهان و شستن بینی با دست راستش.

وَالثَّالِثُ: الْإِمْتِحَاطُ بِيَدِهِ الْيُسْرَى.

سوم: پاک کردن بینی با دست چپ.

وَالرَّابِعُ: سَتْرُ الْعَوْرَةِ بَعْدَ الْإِسْتِنْجَاءِ فِي بَيْتِ الْخَلَاءِ.

چهارم: پوشیدن عورت بعد از استنجا در دستشویی.

وَالْحَامِسُ: تَرَكَ اسْتِقْبَالَ جَهَةِ الْقِبْلَةِ وَتَرَكَ اسْتِدْبَارَهَا فِي بَيْتِ

پنجم: ترك رو آوردن به سمت قبله و ترك پشت کردن به طرف آن در

الْخَلَاءِ فِي الْبِنَاءِ وَالصَّحْرَاءِ.

توالی در ساختمان و صحرا.

وَالسَّادِسُ: تَرَكَ اسْتِقْبَالَ عَيْنِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَتَرَكَ

ششم: ترك رو آوردن به قرص خورشید و ماه و ترك

اسْتِدْبَارِهِمَا فِي الْبُنْيَانِ وَالْبَرِيَّةِ.

پشت کردن به آن دو در ساختمان و خارج.

*

*

*



بَابُ نَوَافِلِ الْوُضُوءِ

این باب نوافل وضو است

وَهِيَ سِتَّةٌ:

آن‌ها (نوافل وضو) شش تا است:

الأول: استِقْبَالُ الْقِبْلَةِ فِي الْوُضُوءِ دُونَ الْإِسْتِنْجَاءِ.

اول: رو آوردن به قبله در وضو نه استنجا.

وَالثَّانِي: ذِكْرُ الدُّعَاءِ عِنْدَ غَسْلِ كُلِّ عَضْوٍ.

دوم: دعا کردن در وقت شستن هر عضو.

وَالثَّلَاثُ: الْبِدَايَةُ بِرِجْلِهِ الْيُسْرَى إِذَا دَخَلَ فِي بَيْتِ الْخَلَاءِ وَإِذَا

سوم: شروع کردن با پای چپ وقتی وارد توالت می‌شود و وقتی

خَرَجَ يَبْدَأُ بِرِجْلِهِ الْيُمْنَى.

خارج می‌شود با پای راستش شروع کند.

وَالرَّابِعُ: رَشُّ الْمَاءِ عَلَى السَّرَاوِيلِ.

چهارم: پاشیدن آب بر شلوار.

وَالْخَامِسُ: مَسْحُ الْيَدِ عَلَى الْخَائِطِ بَعْدَ الْإِسْتِنْجَاءِ بِالْمَاءِ.

پنجم: مسح دست بر دیوار بعد از استنجا با آب.

وَالسَّادِسُ: غَسْلُ الْيَدَيْنِ بَعْدَ مَسْحِ الْخَائِطِ.

ششم: شستن دست‌ها بعد از کشیدن به دیوار.

وَيَنْظُرُ إِلَى السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَيَقْرَأُ: أَحْمَدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ

و به آسمان و زمین نگاه کند و بخواند: سپاس خدایی را که آب را

طَهُورًا وَالْإِسْلَامَ نُورًا وَدَلِيلًا إِلَى اللَّهِ وَإِلَى جَنَّاتِ النَّعِيمِ اللَّهُمَّ



پاک کننده‌ای قرار داد و اسلام را نوری و راهنمایی به سوی الله و بهشت های نعمت قرار داد، بار الها!

حَصِّنْ فَرْجِي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَمَحِّصْ ذُنُوبِي.

شرمگاهم را حفظ کن، دلم را پاک گردان و گناهانم را نابود گردان.

* * *

بَابُ كَرَاهِيَةِ الْوُضُوءِ

این باب مکروهات وضو است

وَهِيَ سِتَّةٌ:

آن‌ها (مکروهات وضو) شش تا است:

الْأَوَّلُ: التَّعْيِيفُ، أَيْ ضَرْبُ الْمَاءِ عَلَى الْوَجْهِ ضَرْبًا شَدِيدًا.

اول: تعنیف است، یعنی زدن آب به شدت به صورت.

وَالثَّانِي: الْإِمْتِحَاطُ فِي الْمَاءِ.

دوم: خالی کردن بینی در آب.

وَالثَّلَاثُ: الْمَضْمَضَةُ وَالْإِسْتِنْشَاقُ بِيَدِهِ الْيُسْرَى مِنْ غَيْرِ عُذْرٍ.

سوم: شستن دهان و بینی با دست چپ در صورتی که عذری نداشته باشد.

وَالرَّابِعُ: الْكَلَامُ عِنْدَ الْإِسْتِنْجَاءِ.

چهارم: حرف زدن در زمان استنجا.

وَالْخَامِسُ: إِقَاءُ الْبَوْلِ وَالْعَائِطِ فِي الْمَاءِ.

پنجم: انداختن ادرار و مدفوع در آب.

وَالسَّادِسُ: النَّظْرُ إِلَى عَوْرَتِهِ.

ششم: نگاه کردن به عورتش.

* * *



بَابُ مَنَاهِي الْوُضُوءِ

این باب ممنوعات وضو است

وَهِيَ سِتَّةٌ:

آن‌ها (ممنوعات وضو) شش تا است:

الأوَّلُ: إِسْرَافُ الْمَاءِ، أَيْ غَسْلُ الْأَعْضَاءِ الْمَفْرُوضَةِ أَكْثَرَ مِنْ ثَلَاثٍ.

اول: اسراف آب، یعنی شستن اعضای فرض بیشتر از سه بار.

وَالثَّانِي: التَّقْتِيرُ فِي الْمَاءِ، أَيْ غَسْلُ الْأَعْضَاءِ بِحَيْثُ يَكُونُ

دوم: کوتاهی در استعمال آب. یعنی شستن اعضا به گونه‌ای که نزدیک

أَقْرَبَ إِلَى الدَّهْنِ.

به روغن زدن باشد.

وَالثَّلَاثُ: الْمَسْحُ عَلَى الرَّجْلَيْنِ بِغَيْرِ خَفٍّ، لِأَنَّهُ مِنْ أَعْمَالٍ كَبِيرَةٍ لِلرَّوَافِضِ.

سوم: مسح پاها بدون موزه، چون این از کارهای بزرگ روافض.

وَالرَّابِعُ: الْمَسْحُ عَلَى الْخُفَّيْنِ وَفِيهِمَا خَرَقٌ كَثِيرٌ.

چهارم: مسح بر موزه‌ها در حالی که در آن‌ها پاریدگی بزرگ باشد.

وَالخَامِسُ: كَشْفُ الْعَوْرَةِ عِنْدَ الْوُضُوءِ.

پنجم: ظاهر کردن عورت در وقت وضو.

وَالسَّادِسُ: الإِسْتِجَاءُ بِيَدِهِ الْيُمْنِي مِنْ غَيْرِ عَذْرِ.

ششم: استنجا با دست راست بدون عذر.

* * *



بَابُ نَوَاقِضِ الْوُضُوءِ

این باب شکننده‌های وضو است

وَهِيَ عَشْرَةٌ:

آن‌ها (شکننده‌های وضو) ده تا است:

الْأَوَّلُ: كُلُّ خَارِجٍ مِّنْ إِحْدَى السَّبِيلَيْنِ أَوْ مِنْ غَيْرِ السَّبِيلَيْنِ إِلَّا

اول: هر چیزی که از یکی از دو راه خارج می‌شود یا از غیر دو راه خارج شود مگر

الْبُرَاقُ وَالْمَخَاطُ وَمَاءُ خَرَجَ مِنَ الْأُذُنَيْنِ وَالْعَيْنَيْنِ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ.

آب دهان، آب بینی و آبی که از دو گوش و دو چشم بدون بیماری و درد خارج شود.

وَالثَّانِي: الْقَيْءُ مِلَأَ الْفَمِ.

دوم: استفراغ به اندازه‌ی پری دهان.

وَالثَّلَاثُ: النَّوْمُ مُسْتَنَدًا أَوْ مُتَكِنًا أَوْ مُضْطَجِعًا.

سوم: خوابیدن با تکیه بر یکی از اعضا یا تکیه بر چیزی یا بر پهلو.

وَالرَّابِعُ: الْقَهْقَهَةُ فِي كُلِّ صَلَاةٍ ذَاتِ رُكُوعٍ وَسُجُودٍ،

چهارم: قهقهه در هر نمازی که دارای رکوع و سجده باشد

وَلَا تَنْقُضُ الْوُضُوءَ فِي صَلَاةِ الْجَنَازَةِ بَلْ تُفْسِدُهَا فَقَطُّ.

و وضو را در نماز جنازه نمی‌شکند، بلکه فقط آن (نماز جنازه) را فاسد می‌کند.

وَالخَامِسُ: الْجُنُونُ.

پنجم: دیوانگی.

وَالسَّادِسُ: الْإِغْمَاءُ.

ششم: بی‌هوشی.



وَالسَّابِعُ: مَصُّ عَلَقَةٍ أَوْ قُرَادٍ كَبِيرٍ عُضْوًا فَامْتِلَاءًا مِنَ الدَّمِ.

هفتم: چشیدن زالو یا کنه بزرگ عضوی را به گونه‌ای که از خون پر شوند.

وَالثَّامِنُ: السُّكْرُ وَلَوْ بِأَكْلِ الْحَشِيشَةِ، وَحَدُّهُ أَنْ لَا يَعْرِفَ الرَّجُلُ

هشتم: مستی اگر چه که با خوردن حشیش باشد. و اندازه‌اش آن است که مرد را از

مَنْ الْمَرَأَةَ وَقَالًا إِذَا دَخَلَ فِي بَعْضِ مَشِيهِ تَحَوَّلَ فَهُوَ سَكْرَانٌ

زن تشخیص ندهد. صاحبین گفته‌اند: اگر در بخشی از راه رفتش حرکتی داخل شد او مست است

وَقَدْ رَحَّجُوا قَوْلَهُمَا وَأَكْثَرَ الْمَشَائِخِ عَلَى قَوْلِهِمَا وَاخْتَارُوهُ

و گفته‌ی آن دو را ترجیح داده‌اند و بیشتر بزرگان بر گفته‌ی آن دو هستند و آن را برای

لِلْفَتْوَى وَهُوَ الصَّحِيحُ.

فتوا برگزیده‌اند و این صحیح.

وَالتَّاسِعُ: الدَّمُ الْخَارِجُ مَعَ البُّزَاقِ إِنْ غَلَبَ الدَّمُ عَلَى البُّزَاقِ أَوْ سَاوَاهُ.

نهم: خونی که با آب دهان خارج می‌شود، اگر خون از آب دهان بیشتر شد یا با آن برابر شد.

وَالْعَاشِرُ: الشُّكُّ فِي الوُضُوءِ بِأَنَّهُ تَوَضَّأَ أَمْ لَا وَكَانَ قَبْلَ ذَلِكَ

دهم: شک در وضو است، به این صورت که وضو گرفته است یا نه و پیش از آن

مُحَدِّثًا بِالْيَقِينِ وَأَمَّا إِذَا تَيَقَّنَ فِي الوُضُوءِ وَشَكَّ فِي أَنَّهُ انْتَقَضَ

به طور یقین بی‌وضو بوده است، ولی وقتی در وضو یقین داشت و شک کرد در این که شکسته

أَمْ لَا فَلَا وَضُوءَ عَلَيْهِ.

یا نه پس وضو بر او نیست.

*

*

*

بَابُ فَرَائِضِ الْغُسْلِ

این باب فرایض غسل است

وَهِيَ ثَلَاثٌ:

آن‌ها (فرایض غسل) سه تا است:

الأوَّلُ: المضمضة.

اول: شستن دهان.

والثَّانِي: الإستنشاق.

دوم: شستن بینی.

والثَّالِثُ: غَسْلُ سَائِرِ الْجَسَدِ جَمِيعاً.

سوم: شستن تمام بدن.

* * *

بَابُ فَرَائِضِ الْغُسْلِ

این باب فرایض غسل است

وَهِيَ ثَلَاثٌ:

آن‌ها (فرایض غسل) سه تا است:

الأوَّلُ: المضمضة.

اول: شستن دهان.

والثَّانِي: الإستنشاق.

دوم: شستن بینی.

والثَّالِثُ: غَسْلُ سَائِرِ الْجَسَدِ جَمِيعاً.

سوم: شستن تمام بدن.



بَابُ سُنَنِ الْغُسْلِ

این باب سنت‌های غسل است

وَهِيَ سِتَّةٌ:

آن‌ها (سنت‌های غسل) شش تا است:

الْأَوَّلُ: أَنْ يَبْدَأَ بِغَسْلِ الْيَدَيْنِ.

اول: این که به شستن دست‌ها شروع کند.

وَالثَّانِي: أَنْ يَغْسِلَ فَرْجَهُ

دوم: این که شرمگاهش را بشوید.

وَالثَّلَاثُ: أَنْ يُزِيلَ النَّجَاسَةَ عَن بَدَنِهِ.

سوم: این که نجاست را از بدنش دور کند.

وَالرَّابِعُ: أَنْ يَتَوَضَّأَ قَبْلَ الْغُسْلِ إِلَّا قَدَمَيْهِ.

چهارم: این که قبل از غسل وضو بگیرد، مگر این که پاهایش را نشوید.

وَالْخَامِسُ: أَنْ يُفِيضَ الْمَاءَ عَلَى سَائِرِ جَسَدِهِ ثَلَاثًا.

پنجم: این که سه بار آب را بر تمام بدنش بریزد.

وَالسَّادِسُ: أَنْ لَا يَغْسِلَ رِجْلَيْهِ إِلَّا عَلَى خَشْبِهِ، أَوْ حَجَرٍ، أَوْ

ششم: این که پاهایش را نشوید مگر بر چوبی، یا سنگی، یا

أَجْرٍ، أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ

آجری و یا چیزی دیگر.

*

*

*



بَابُ آدَابِ الْغُسْلِ

این باب آداب غسل است

وَهِيَ سِتَّةٌ:

آن‌ها (آداب غسل) شش تا است:

الأوَّلُ: أَنْ يَغْسَلَ فِي مَكَانٍ لَّا يَرَاهُ أَحَدٌ.

اول: این که در جایی غسل کند که کسی او را نبیند.

وَالثَّانِي: أَنْ لَّا يَنْظُرَ إِلَى عَوْرَتِهِ.

دوم: این که به عورتش نگاه نکند.

وَالثَّلَاثُ: أَنْ لَّا يَتَكَلَّمَ.

سوم: این که حرف نزند.

وَالرَّابِعُ: أَنْ يَغْسَلَ قَدَمَيْهِ آخِرًا.

چهارم: این که پاهایش را در آخر بشوید.

وَالخَامِسُ: أَنْ يَمْسَحَ بِمِنْدِيلٍ بَعْدَ الْغُسْلِ.

پنجم: این که بعد از غسل با حوله‌ای خودش را خشک کند.

وَالسَّادِسُ: أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ بَعْدَ الْغُسْلِ.

ششم: این که بعد از غسل بر رسول الله ﷺ درود بفرستد.

* * *

بَابُ الْمَعَانِي الْمَوْجِبَةِ لِلْغُسْلِ

این باب مواردی است که غسل را واجب می کند

وَهُوَ عَلَى نَوْعَيْنِ:

آن بر دو قسم است:

الْأَوَّلُ: حَقِيقِيٌّ كَانْزَالِ الْمَنِيِّ عَلَى وَجْهِ دَفْقٍ وَشَهْوَةٍ مِنَ الرَّجُلِ

اول: حقیقی است، مثل خارج شدن منی به صورت جهنده و شهوت از مرد

وَالْمَرَأَةِ فِي حَالَةِ النَّوْمِ وَالْيَقِظَةِ وَكَذَا الْحَيْضُ وَالنِّفَاسُ.

و زن در حالت خواب یا بیداری و هم چنین حیض و نفاس.

وَالنَّوْعُ الثَّانِي: حَكْمِيٌّ كَمَنْ اسْتَيْقَظَ مِنَ النَّوْمِ وَيَرَى مَنِيًّا أَوْ

نوع دوم: حکمی است، مثل کسی که از خواب برمی خیزد و منی

مَذِيًّا وَلَمْ يَتَذَكَّرِ الْإِحْتِلَامَ فَيُحَكَّمُ عَلَيْهِ بِالْغُسْلِ احْتِيَابًا.

یا مزی می بیند و احتلام را به یاد نمی آورد، پس بنابر احتیاط بر آن حکم غسل داده می شود.

* * *

در این باب گفته شده که در این باب مواردی که غسل را واجب می کند...
و این موارد به دو قسم است: اول: حقیقی است که در آن منی از مرد یا منی از زن...
ثانی: حکمی است که در آن کسی که از خواب بیدار شود و منی را ببیند...
و این موارد در فقه اسلامی به همین ترتیب آمده است.



بَابُ الْغُسْلِ الْمَسْنُونِ

این باب غسل سنت است

وَهُوَ أَرْبَعَةٌ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ — رَحِمَهُ اللَّهُ —:

آن‌ها (غسل سنت) چهار تاست نزد ابوحنیفه - رحمه الله -:

الأوَّلُ: غُسْلُ الْجُمُعَةِ.

اول: غسل جمعه.

وَالثَّانِي: غُسْلُ الْعِيدَيْنِ.

دوم: غسل دو عید.

وَالثَّلَاثُ: غُسْلُ يَوْمِ عَرَفَةَ.

سوم: غسل روز عرفه.

وَالرَّابِعُ: غُسْلُ الْإِحْرَامِ عِنْدَ الْمِيقَاتِ.

چهارم: غسل احرام در زمان احرام.

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

توجه: به توفیق خدا توانستیم کتاب «شروط الصلوة» در فقه حنفی را با حروف چینی، صفحه آرای و چاپ جدید تقدیم طالبان علم نماییم، ان شاء الله در اولین فرصت روی حواشی، مفاهیم، تخریج و جرح و تعدیل احادیث آن کار خواهیم کرد. بی تردید این یک تلاش بشری است و حاوی عیب و نقص و همواره دعایمان این است:

«رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» [البقرة: ۲۸۶].